

آیت ره جوادی آملی

اخلاق کارکنان

در

حکومت اسلامی

BP

۲۳۲/۶۷

ج ۹ /

الف ۳

۱۳۶۶

ن. ۲

مرکز نشریاتی

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۷	مراقبه و محاسبه، راه وصول به مقام عنداللهی
۲۷	اندوه و هراس را به ساحت والای ولی الله راهی نیست
۴۳	یقین به احاطه خدای سبحان، مهمترین مانع آلودگی به گناه
	زیورهای ناپایدار این جهان، زیورآسمان و زمین است نه زینت جان
۵۷	انسان
۷۱	از هجرت تا امامت اهل تقوی
۸۵	مراحل پنجگانه دنیا و منازل سه گانه آخرت
۹۹	جهل اعتقادی و شهوت گرائی، دو عامل سقوط
۱۱۳	تخصّص و امانت، دو شرط صلاحیت کارگزاران
۱۲۹	شهود قدرت خدای قدیر، رمز پیروزی در همه صحنه ها
۱۴۷	نماز، مهمترین عامل بازدارنده از رذیله های فردی و مفساد اجتماعی
۱۵۹	اهمیت حفظ امانت
۱۷۱	اجرای عدالت، مهمترین عامل بقای نظام
۱۸۵	نقش عقل در تداوم یک نظام
۱۹۷	لزوم رعایت نظم برای کارگزاران یک نظام حکومتی
	وظیفه اصلی کارگزاران در نظام اسلامی، رعایت حال محرومان و گروه
۲۰۹	ضعیف و باایمان است

۴۵۰ ریال

■ اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی

- آیت الله جوادی آملی
- مرکز نشر فرهنگی رجاء
- چاپ دوم: زمستان ۱۳۶۷
- تیراژ - ۱۱۰۰۰ نسخه
- چاپ - پژمان
- خیابان ظهیرالاسلام - خیابان مشیرمعظم پلاک ۱
- تلفن ۳۹۱۵۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم وایاه نستعین

انگیزه هر کار اجتماعی پیوند مخصوصی است که بین کارگزار و مراجعه کننده به وی برقرار می شود و در تمام جهات تابع همان پیوند خواهد بود؛ یعنی اگر آن ارتباط سالم بود، کار سالمی صورت می پذیرد و اگر آن پیوند ناسالم بود، کاری ناسالم به وجود می آید. همچنانکه، اگر آن پیوند یک امر قراردادی و اعتباری بود، سلامت کارهای تابع آن در محدوده سلامت اعتبار و قرارداد خواهد بود و اگر آن ارتباط یک پیوند تکوینی بود، سلامت کارهای تابع آن در محور سلامت تکوین و تحقق آن قرار خواهد گرفت. براین اساس، رابطه بین کارگزار و مراجعه کننده در نظام اسلامی، تنها حول محور قرارداد و اعتبار اداری نمی گردد؛ چون انگیزه در این نظام، همانا صیانت پیوند با خداوند است، که همگان با ذات اقدسش ارتباط وجودی دارند و اگر مسائل دیگری مانند استخدام و ریاست یا معاونت و... مطرح است، فقط به منظور ایجاد نظم صوری در جامعه می باشد؛ وگرنه تنها عامل ارتباط بین افراد مسلمان در یک نظام اسلامی، همان حفظ پیوند بندگی با خدای سبحان است. این پیوند مقدس در صورتی یافت می شود و می ماند که هم اصل کار مطابق با

دستور وحی آسمانی باشد — یعنی کار حلال، و عمل مشروع باشد — و هم انجام آن برای تحصیل رضای پروردگار بوده، هدفی غیر از تقرب به خداوند در قلب کارگزار راه پیدا نکند (حُسن فعلی و حُسن فاعلی). اگر کاری مشروع نبود یا بر فرض مشروعیت آن، انگیزه کارگزار تحصیل خرسندی خداوند متعال نبود، بلکه براساس روابط قراردادی صورت پذیرفت، همانند سربازی خواهد بود که هرگز تشنه مقام و نیازمند به کمال را سیراب نمی‌کند، و در قیامت، که روز ظهور پیوند حقیقی و گسستن ارتباط قراردادی و اعتباری است، کارگزارانی که پایه کارشان براساس مشروعیت آن و تحصیل رضای الهی بوده، مسرورند — «...يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا»^۱؛ و کارمندانی که کارشان نامشروع یا هدفشان رسیدن به مقام و همی و حفظ پیوند قراردادی بوده، غمگین هستند، زیرا آنچه را که حق و صواب بوده، فراهم نکرده‌اند تا بماند و سودمند باشد و آنچه فراهم نموده‌اند، باطل و ناپایدار بود، و با فرا رسیدن روز حقیقت رخت بر بسته است — «مَا عِنْدَكُمْ يَنْقَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^۲.

از آنجا که روابط اداری و پیوندهای اجتماعی جزو امور قراردادی است و مستقیماً در ردیف سایر امور تکوینی قرار نمی‌گیرد، در اثر اختلاف ملل و تفاوت نژادها و تغایر سرزمینها و تغیر عصرها و مانند آن، دگرگون می‌شود، لیکن رابطه‌های اجتماعی در نظام الهی به یک پیوند تکوینی تکیه می‌کند. لذا تشریع رابطه و تنظیم قراردادها در

۱ — سوره انشقاق، آیه ۹.

۲ — سوره نحل، آیه ۹۶.

حکومت اسلامی تنها به استناد وحی آسمانی بوده، و تنها از آن منبع مدد می‌گیرد. زیرا انسان همان‌طور که زندگی اجتماعی خود را با مسائل اعتباری و امور قراردادی تنظیم می‌نماید، حیات انسانی خود را با وسایل تکوینی و امور حقیقی نیز تأمین می‌کند؛ و اگر بین قوانین اعتباری و قواعد تکوینی وی پیوندی نباشد، و آن قوانین اعتباری از این قواعد اصیل تکوینی استمداد نکند و با آنها هماهنگ نباشد و آنها را زیربنای حقوق اجتماعی خود قرار ندهد و خود را روبنای آنها نداند، هرگز آن فروع اعتباری، عامل تأمین سعادت انسان نخواهد بود. بنابراین، در تدوین قوانین حقوقی و نیز اجرای آنها چاره‌ای جز اعتماد بر اصول زیربنایی انسان در اسلام وجود ندارد؛ و اگر در بسیاری از حقوق اسلامی، رعایت حق جامعه مقدم بر رعایت حق فرد است، نه برای آن است که جامعه اصل است و فرد تابع، و یا اینکه هردو اصل هستند، ولیکن اصالت جامعه بر اصالت فرد تقدم دارد و مانند آن؛ بلکه واقع امر این است که در کلیه موارد حقوق اسلامی، حق فرد ملحوظ شده و حق جامعه به عنوان فرع حق فرد در نظر گرفته شده است. توضیح اجمالی این مسئله، آن است که مقتضای اصالت فرد و تقدم وی بر جامعه، در مکتهای مادی همان استثثار و خود کامگی و انحصارطلبی و رفاه‌خواهی و سلطه‌گری و مانند آن است؛ و مقتضای اصالت فرد و تقدم وی بر جامعه در مکتب وحی، همان ایثار و نثار و عدل و احسان و رفع ستم و حمایت از مظلوم و عداوت با ظالم و مانند آن. لیکن همه این مزایای حقوقی و اخلاقی، نه برای آن است که فرد فدای جامعه شود، بلکه برای آن است که حقیقت فرد — که همان جان مجرد و روح جاودانه اوست — با این وسیله به سعادت ابدی خود نائل آید و به

وَجَّهَ اللَّهُ بَرَسَد. پس احسان به جامعه، وسیله تکامل فرد است و هرگز فرد قربانی جامعه نخواهد شد. آنان که انسان را در تنگنای طبیعت خلاصه کرده اند، چه فرد را اصیل بدانند و چه جامعه را، هرگز به مزایای حقوق فرد آشنا نخواهند بود؛ زیرا هستی وی را نشناخته اند و توجه نکرده اند که ایشان نسبت به دیگران ورنج خود و راحت یاران طلبیدن، برای رفاه ابدی خود است؛ و حتی مقام فنا که جزو برجسته ترین مقام های سیر و سلوک انسانی است، برای آن است که کمال هر فرد در این است که به جمال نامحدود الهی بنگرد و به کمال بیگران خدایی دل نبندد و به هیچ محدودی توجه نکند، حتی به خود، و به هیچ محدودی دل نبندد، حتی به خود.

بحث در پیرامون اصالت فرد و اصالت جامعه، از لحاظ وجود و عدم جامعه و از جهت نظم علی و معلولی آنها، از حوصله این مقدمه کوتاه بیرون است. منظور فقط، اشاره به اصالت فرد است و اینکه فداکاری برای تأمین رفاه جامعه، وسیله تکامل فرد و نیل وی به سعادت ابدی می باشد. آنچه فعلاً مطرح است، آن است که روابط اجتماعی انسان در نظام اسلامی باید هماهنگ با قواعد تکوینی وی باشد و برقراری این انسجام، مستلزم آشنایی با تمام حقیقت انسان و تمام حقیقت جهان هستی است؛ زیرا جوامع انسانی با تمام جهان آفرینش در شرایط گوناگون ارتباط دارند، و آشنایی کامل به انسان و جهان برای احدی جز آفریدگار آنها میسر نیست. لذا، تنظیم روابط اجتماعی انسانها — که بارزترین آنها به صورت خدمات اداری و کارگشایی کارگزاران نظام اسلامی ظهور می یابد — فقط با هدایت الهی خواهد بود؛ و چون رعایت عواطف و اخلاق، همانند مراعات

حقوق و احکام، در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است، و احترام به عواطف از بهترین چهره های حقوق معنوی انسانها در نظام اسلامی بشمار می آید، لذا لازم است کارگزاران ارجمند این نظام الهی به آنها عنایت خاص داشته باشند. به منظور بهتر آشنا شدن با دستورات سودمند اسلامی، چه از لحاظ رعایت اصل تعهد و میثاق اداری و چه از جهت مراعات اصل تأدب و سنت انسانی، بعضی از آیات الهی و نیز برخی از سخنان نورانی انسان های اسوه و ملکوتی، ذیلاً نقل می شود:

۱ — لزوم رعایت تعهد و میثاق

تعهد ایجاب می کند که انسان متعهد خود را وامدار عهد خویش بداند و به آن بدون هیچ کاستی وفا کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَفُوا بِالْعُقُودِ»^۳ — ای کسانی که به خداوند ایمان آوردید، به عقد و عهد خود وفا کنید. «وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا...»^۴ — نیکان کسانی هستند که به عهد خود وفا می کنند و رعایت تعهدها را همانند عبادت خداوند، گرامی می دارند.

«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»^۵ — به میثاق خود عمل نمایید و به آن وفا کنید، زیرا هنگام محاسبه الهی رعایت عهد مورد سؤال قرار می گیرد؛ و در این جهت فرقی بین عهد با خدا و عهد با بندگان وی نیست. پس کارگزار اسلامی، که متعهد به انجام خدمات

۳ — سوره نحل، آیه ۹۶.

۴ — سوره مائده، آیه ۱.

۵ — سوره بقره، آیه ۱۷۷.

صادقانه است، در قیامت مسئول خواهد بود.

۲ - لزوم ادای امانت، و حرمت خیانت

قبول سمت و پست به منزله پذیرش امانت جامعه به شمار می رود و ادای امانت واجب و خیانت به آن حرام است: «ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها»^۶ - خداوند به شما امر می کند که هرگونه امانتی را به صاحب آن برگردانید، خواه امانتهای مادی باشد، خواه معنوی؛ خواه به شخصیت های حقیقی باشد، خواه به شخصیت های حقوقی.

«یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله والرسول و تخونوا اماناتکم»^۷ - ای مؤمنین، به امانت خداوند و پیامبر خیانت نکنید. همچنین به امانتهای خودتان خیانت ننمایید.

«والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون»^۸ - مردان با ایمان امانتها و عهدهای خود را مراعات می کنند.

۳ - پرهیز از مال حرام و رشوه

هر کارگزاری مسئول است برابر تعهد معین، کار مباح مخصوص به حوزه وظیفه خود را انجام دهد. و اگر عمداً از انجام آن امتناع نمود، حقوقی که دریافت می کند، حرام است. همچنین، اگر

۶ - سوره بنی اسرائیل، آیه ۳۴.

۷ - سوره نساء، آیه ۵۸.

۸ - سوره انفال، آیه ۲۷.

بخواهد برای تضییع حق دیگران یا احقاق باطل و ابطال حق، مالی را از مراجعه کننده بگیرد، کار حرامی کرده است:

«ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون»^۹ - اموال خود را به باطل، که خارج از محور دین و قانون الهی است، مصرف نکنید و آنها را عمداً به قاضیان و حاکمان ندهید تا از رهگذر این کار حرام مقداری از اموال و حقوق دیگران را به چنگ آورید.

تذکر: کسی که اهل رشوه است، درونش به منزله چاهی است که رشوه دهنده با مال حرام، دلوی در آن فرو می برد، (ادلاء = دلو انداختن) و از درون آن مقداری لجن بیرون می آورد؛ این چاه بدبودر قیامت ظهور می کند «یوم یبلی السرائر»^{۱۰}.

۴ - قوام به قسط و عدل بودن

گرچه بر هر مسلمانی لازم است که عادل باشد و به قسط قیام کند، لیکن کارگزاران نظام اسلامی - مخصوصاً عهده داران سمت قضا و داوری - باید بیش از دیگران به ملکه فاضله عدالت متصف باشند. لذا قرآن کریم در باره آنان چنین فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا کوثروا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم اوالوالدین والاقربین ان یکن غنیاً أو فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلوا او تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیراً»^{۱۱} - ای

۹ - سوره مؤمنون، آیه ۸.

۱۰ - سوره طارق، آیه ۹.

۱۱ - سوره نساء، آیه ۱۳۵.

مؤمنین! برای اقامه قسط و عدل، قوام باشید؛ یعنی شدت قیام و ایستادگی را رعایت نمایید و حتی اگر اقرار به حق یا شهادت به آن، به زیان شما یا پدر و مادر و نزدیکان بود، به اقامه آن مبادرت کنید. توانگری یا تهیدستی افراد، مانع اقامه عدل و داد نشود؛ و رعایت حکم خدا درباره آنان اولی و سزاوارتر است؛ و از پیروی هوس پرهیزید! مبدا از اجرای عدالت بازمانید؛ و اگر از ادای شهادت سرپیچی کردید یا اعراض نمودید، خداوند همواره از کار شما با خبر بوده و هست.

غرض آن است که در مسئولین نظام اسلامی غیر از آنچه در شهروندان متعارف معتبر است، چیز دیگری لازم است و آن اینکه قوام به قسط و عدل باشند تا از گزند هرگونه تبعیض و اهمال و ندانم کاری و مانند آن مصون باشند.

۵ - پرهیز از تشویق و پاداش ناروا

گرچه ترغیب خدمتگزاران راستین، لازم و تکریم کارگزاران امین و متعهد، سودمند است، لیکن توقع نابجا و انتظار بیمورد کسی که کاری انجام نداده و دوستدار تشویق و ستایش است، مایه عذاب وی خواهد بود: «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۱۲} می‌پندارید کسانی که به آنچه کرده‌اند (کم کاری و نفاق و عدم حضور در صحنه و...) خوشحالند و دوست می‌دارند که در قبال

۱۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۸۸.

کارهای نکرده ستایش شوند و از عذاب الهی رهایی یابند!! بلکه برای آنان عذابی است دردناک!

۶ - خطر جاه دوستی و مال خواهی

فرزانه کسی است که وسیله را هدف نپندارد و غیر از هستی محض و لقای خداوند - که همان حقیقت هستی است - هر چیز دیگر را وسیله بداند و به چیزی که گذراست، دل نبندد؛ زیرا خطر مال دوستی و جاه طلبی به قدری زیاد است که اگر کسی به آن مبتلاشد، چیزی از ایمان او نمی ماند. پیامبر اکرم (ص) به ابوذر - صحابی نامور و مبارز نستوه و زاهد شب و شیر روز - چنین فرمود:

«يَا أَبَا ذَرٍّ حُبُّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ أَذْهَبُ لَدَيْنِ الرَّجُلِ مِنْ ذُبْنِ ضَارِيْنِ فِي زُرْبِ الْغَنَمِ فَأَغَارًا فِيهَا حَتَّىٰ اصْبَحَا قَمَازًا أَبْقِيَا مِنْهَا»^{۱۳} - دوستی مال و جاه، دین مرد را بیش از آن اندازه می‌برند که دو گرگ خون آشام شبانه به آسایشگاه گوسفندان حمله برند و در بامداد چیزی از آن رَمه باقی نگذارند. اگر کارگزاری برای به دست آوردن جاه یا برای حفظ آن کوشش کند، از آسیب آن مصون نخواهد ماند. امید است همگان از توفیق خدمت به بندگان خدا برخوردار و از لغزشهای اخلاقی و اجتماعی برکنار باشیم.

قم - جوادی آملی

اول ماه مبارک رمضان ۱۴۰۷

۱۳ - بحار چاپ بیروت، ج ۷۴ ص ۸۰.



مرکز نشر بین المللی

ظهر الاسلام - اول مسعود تلفن: ۳۹۱۵۱۰

